

The Effects of Compassion for Relatives as a Social Capital on Unity and Affinity

Seyyed Ahmad Mir Hosseini*

Associate Professor, Department of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, College of Farabi, University of Tehran, Qom, Iran

(Received: April 10, 2022; Accepted: September 5, 2022)

Abstract

One of the precious social capitals that is effective on ensuring the healthfulness of the individual and the society is the compassion of individuals for their relatives, which is known as *Salah Arham* in Islamic teachings. Apart from the fact that having compassion for relatives and paying attention to them naturally solves many problems and helps achieve physical and mental health, there may be some positive spiritual effects resulting from compassion and respect for relatives, which are mostly discussed by religious teachings. Preservation of people's identity, prevention of social crimes and economic poverty, and removal of grudges and social disputes are among the main effects of the compassion for relatives. Observing the rights of relatives essentially leads to empathy, kindness, and unity of the relatives. These effects are liked by God, and bring about other spiritual effects and graces. On the contrary, lack of these qualities will lead to worldly harms and otherworldly punishments. The article at hand relies on Islamic resources and the analytic method to analyze these points.

Keywords

compassion to relatives, community healthfulness, social capital, unity.

* **Corresponding Author, Email:** mirhosein@ut.ac.ir

صله ارحام و آثار با محوریت وحدت و الفت، سرمایه‌ای اجتماعی

سیداحمد میرحسینی *

دانشیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، پردیس فارابی دانشگاه تهران، قم، ایران

(تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۱/۲۱ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۶/۱۴)

چکیده

یکی از سرمایه‌های گران‌قدر اجتماعی که در تأمین سلامت فرد و جامعه اثرگذار است، اهتمام افراد نسبت به نزدیکان است که در آموزه‌های دینی به صله ارحام معروف است. گذشته از اینکه رعایت اقربا و توجه آنان نسبت به یک‌دیگر به طور طبیعی باعث رفع و دفع بسیاری از مشکلات و دستیابی به سلامت جسمی و روحی می‌شود، ممکن است آثاری وضعی و معنوی مترتب بر صله رحم و رعایت خویشاوندان انسان باشد که آموزه‌های دینی بیشتر ناظر به آن‌ها خواهد بود. حفظ هویت افراد، پیشگیری از جرایم اجتماعی و فقر اقتصادی، و رفع و دفع کینه‌توزی و اختلافات اجتماعی از آثار مهم صله ارحام است و رعایت حقوق ارحام به طور عمده به همدلی، مهربانی، و وحدت افراد خاندان می‌انجامد که مورد عنایت پروردگار و آثار و برکات معنوی است و نقص آن‌ها منشأ خسارات مادی و عقوبت‌های اخروی خواهد شد که نوشتار پیش رو به استناد به منابع اسلامی و روشی تحلیلی به آن‌ها پرداخته است.

کلید واژگان

سرمایه اجتماعی، سلامت جامعه، صله رحم، وحدت.

مقدمه

در تأمین سلامت و تعادل زندگی اجتماعی سرمایه‌های گوناگون تأثیرگذار است که از آن جمله می‌توان پیوستگی قلبی و رفتاری اعضای خانواده را، که در آموزه‌های اسلامی «صله رحم» نامیده می‌شود، نام برد. افرادی که به واسطه ارتباط ژنتیکی در چند نسل مشخص و شناخته‌شده با هم خویشاوندی دارند و یا به تعبیر دیگر، از یک مادر و رحم پرورش یافته‌اند و نوع ارتباط آن‌ها با واسطه‌های قریب شکل می‌گیرد؛ در رابطه با یک‌دیگر الزامات اخلاقی و رفتاری خاصی خواهند داشت که در آیین مقدس اسلام و قرآن و احادیث و سیره معصومان (علیهم السلام) مورد توجه واقع شده و رعایت آن‌ها منشأ آثار و برکاتی است که هم در زندگی و تأمین سلامت و آرامش نقشی مهم ایفا می‌کند و هم منشأ کمالات معنوی و اجر و پاداش اخروی بالا خواهد بود و بی‌توجهی به آن وظایف باعث خساراتی مادی و معنوی برای فرد و جامعه خواهد بود. متأسفانه در برخی از جوامع به این نوع اثرگذاری کمتر توجه می‌شود و به هزینه‌های بالای درمانی و پزشکی برای حل بسیاری از مشکلات و کسب آرامش و سلامتی تن می‌دهند، ولی از نتایج رعایت وظیفه صله ارحام برای تأمین این مقاصد محروم می‌مانند. آن‌گاه در تأمین سلامت جامعه سرمایه‌های مختلفی مورد توجه واقع می‌شود و هزینه‌های گوناگون مصرف می‌شود و به این سرمایه‌های اجتماعی کمتر توجه می‌کنند.

در این نوشتار، نویسنده ضمن بررسی موقعیت و جایگاه صله رحم در آیین مقدس اسلام و توجه به اهمیت آن در تحکیم روابط اجتماعی و خانوادگی به تأثیر آن در پیشگیری از مفاسد در جامعه از قبیل فقر اقتصادی و فرهنگی، کینه‌توزی و ازهم‌گسستگی اجتماعی و خانوادگی، اختلال‌های روحی و روانی در افراد جامعه خواهد پرداخت. از جهت دیگر، با توضیح و تشریح برخی آثار مفید فردی و اجتماعی صله رحم، نقش مؤثر آنها در زندگی تبیین و بیان می‌شود که نفی این آثار موجب سقوط اخلاقی و اجتماعی فرد و سبب فساد جامعه خواهد بود و سایر هزینه‌ها و سرمایه‌های اجتماعی، همانند هزینه‌های دارویی و امنیتی و قضائی، جایگزین این سرمایه‌های الهی نخواهد شد.

معناشناسی صلهٔ رحم

مادهٔ اصلی «صله» واژهٔ «وصل» است که به معنای انضمام چیزی به چیز دیگر است و ضد آن دوری و هجر است (ابن فارس ۱۴۰۴: ج ۶، ۱۱۵).

«رحم» به جایگاه رشد و تکوین بچه اطلاق می‌شود (موسی ۱۴۱۰: ج ۱، ۹۲). از آنجا که گروهی از مردم از رحمی واحد خارج شده‌اند (راغب اصفهانی ۱۴۱۲: ج ۱، ۳۴۷)، به نزدیکی و قرابت نیز رحم اطلاق می‌شود (ابن‌درید ۱۹۸۸: ج ۱، ۵۲۴). پس «رحم» یعنی نزدیکی و قرابت و جمع آن «ارحام» است (فراهیدی ۱۴۰۹: ج ۳، ۲۲۴). اصل این ماده دلالت بر رقت و عطوفت و رأفت دارد (ابن فارس ۱۴۰۴: ج ۲، ۴۹۸). در لغت‌نامهٔ المنجد مهر، شفقت، عطوفت، غفران، و بخشش از معانی این واژه شمرده شده است (معلوف ۱۹۷۳: ذیل مادهٔ «رحم»).

با توجه به معانی لغوی این واژه، که ذکر شد، مراد از اصطلاح رحم و ارحام در استعمالات شرعی، مثل قرآن و احادیث، از دو جهت می‌تواند با معنی لغوی آن تناسب داشته باشد. یکی به لحاظ اینکه ذوی‌الارحام و اقربای نزدیک در رابطه با یک‌دیگر باید دارای عطوفت و مهر و عفو و گذشت باشند و تناسب دیگر با معنی لغوی رحم، که همان موطن ولادت و محل جنین در شکم مادر است، ارحام به لحاظ اینکه با رابطهٔ قریب از یک رحم و از یک مادر و به تعبیر دیگر از پدر و مادر نزدیک متولد شده‌اند با هم قرابت دارند و این قرابت در ولادت باید مورد توجه باشد.

تعیین مصداق ارحام در مبحث صلهٔ رحم

علامه مجلسی در مورد اینکه چه نوع قرابتی به عنوان رحم در بحث صلهٔ رحم منظور است و چه کسانی در این رابطه باید رعایت شوند اقوال و نظرات مختلف آورده است.

براساس دیدگاهی، رحم و قرابت نسبت بین دو طرفی است که با هم رابطه دارند و نسبت آنان به رحم یعنی به مادر واحد منتهی می‌شود و در نظری دیگر رحم قرابت دو طرف از ناحیهٔ آبا در هر مرتبهٔ بالائی و از طرف اولاد در هر مرتبهٔ پایینی است و همین‌طور خواهران و برادران و اولاد و عموها و عمه‌ها که به دو طرف آبا و ابا مرتبط هستند. قول دیگر این است که رحمی که صلهٔ آن واجب است قرابت رحم در مراتبی است که نکاح بین آن‌ها واقع نمی‌شود (مثل خواهران و برادران، عموها و دختر برادر، عمه‌ها و خاله‌ها و برادرزاده‌ها و خواهرزاده‌ها که به تعبیری با هم

محرم‌اند). اما سایر موارد، مثل فرزندان آن‌ها، که نسبت به یک‌دیگر ازدواجشان با هم مشروع است، حکم وجوب صلّه رحم بین آنان نیست. در نظریه دیگری آمده که صلّه رحم و لزوم آن عمومیت دارد در منتسبین رحمی معروف در انتساب؛ هرچند ازدواج بین آنان مشروع باشد و نسبت هم بسیار دور باشد. این دیدگاه به صواب نزدیک‌تر است؛ البته به شرطی که عرفاً هم از اقارب و نزدیکان شخص محسوب شوند، و آلا همه مردم دنیا در نهایت به آدم و حوا می‌رسند (و مشخص است لزوم صلّه رحم بین هر انسانی با فرد دیگر نیست). باید گفت در مورد قبایل بزرگی مثل بنی هاشم در این زمان، به فرض این‌که افراد منسوبین آنان عرفاً از اقربا باشند، آیا ارحام به حساب می‌آیند و حکم صلّه رحم در میان آحاد آنان نسبت به یک‌دیگر جاری است، قضاوت مشکل است. هرچند طبق حدیثی که از علی بن ابراهیم در ذیل آیه کریمه «فَهَلْ عَسَيْتُمْ إِنْ تَوَلَّيْتُمْ أَنْ تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ وَ تَقَطَّعُوا أَرْحَامَكُمْ» (محمد/۲۲) وارد شده، آیه راجع به بنی امیه و عملکرد آنان نسبت به اهل بیت (علیهم السلام) نازل شده، دلیلی بر صدق رحم و لزوم رعایت آن در همه مراتب یک خاندان است.

شهید ثانی بیان کرده اختلاف نظر در این مورد به دلیل نبود نص خاص در این زمینه است و به همین علت اکثر اصحاب امامیه مراد از آن را به عرف محول کرده‌اند و ارحام را معروفین منتسب به حسب عادت و عرف دانسته‌اند، خواه وارث یک‌دیگر باشند خواه نباشند.

شیخ طوسی اظهار داشته که رحم لازم‌الرعايه کسی است که به آخرین پدر و مادر شخص در اسلام منتهی شود و به آبا و اجداد مشرک سرایت نمی‌کند؛ هرچند قرابت آنان معروف و شناخته‌شده باشد. دلیل این نظر، سخن رسول خدا (صلی الله علیه و آله) است که فرموده: «قطع الاسلام ارحام الجاهلیه» و همچنین به علت قول خداوند متعال به نوح پیامبر (علیه السلام) راجع به پسرش: «إِنَّهُ لَيْسَ مِنْ أَهْلِكَ» (هود/۴۶). طبق این بیان انتساب به آبا و رحم تا مرحله‌ای است که به جد مشرک شخص منتهی شود.

اما اگر در طبقه اجداد مشرکی باشد او در حکم رحم نیست که از این جهت لازم‌الرعايه باشد. ابن جنید گفته: اگر کسی برای اقربا و رحم خود وصیتی کند، یعنی وصیت کند چیزی به آنان بدهند، اما از آن‌ها اسم نبرد، این مال در منسوبین به او از طرف اولاد و پدر و مادر تقسیم می‌شود

و از فرزند جد چهارم در تقسیم نباید تجاوز کند؛ یعنی به جد چهارم به عنوان اقربا در رحم چیزی داده نمی‌شود. چون رسول خدا (صلی الله علیه و آله) از مال خمس به عنوان حق ذوی‌القربی، که یکی از مصارف خمس در آیه است، از این مرحله عبور نکرد و سهمی برای جد چهارم قرار نداد (مجلسی ۱۴۰۳: ج ۷۱، ۱۰۸ - ۱۱۰).

همان‌طور که ملاحظه شد، اقوال متفاوتی در رابطه با ارحام مطرح است. از مجموع آنچه در این رابطه گذشت، می‌توان چنین نتیجه گرفت که ارحام عبارت‌اند از بستگان و نزدیکان فرد که در جهت خانوادگی به هم مرتبط‌اند و در ولادت به یک ریشه برمی‌گردند. طبعاً قرابت خانوادگی دارای مراتبی است و بعضی نزدیک‌تر و بعضی دورتر هستند. مثلاً رابطه اولاد با پدر و مادر قرابت خاص و در مرحله‌ای بسیار بالا است که در شئون مختلف زندگی این قرابت خود را نشان می‌دهد و در کمترین حادثه دو طرف تحت تأثیر و تأثر واقع می‌شوند؛ درحالی که ارتباط با عموزاده‌ها و خاله‌زاده‌ها این وضعیت را ندارد، هرچند هر دو مورد از مصادیق قرابت و جزء خاندان به حساب می‌آیند. بر همین اساس می‌توان وظایف را در روابط خانوادگی به حسب همین مراتب نسب و ارتباط متفاوت دید؛ وظیفه‌ای که در لزوم رعایت پدر و مادر انسان به حسب عقل و شرع تعیین شده قهراً سنگین‌تر از وظیفه رعایت عموزاده انسان است، هرچند هر دو عرفاً رحم و قریب محسوب می‌شوند. با تأمل در آموزه‌های دینی همین مطلب قابل برداشت است. سفارش‌های اکیدی که راجع به پدر و مادر در قرآن کریم و احادیث معصومین (علیه السلام) وارد شده با توصیه به رعایت مراحل دیگر از خاندان قابل مقایسه نیست و بنابراین اصل قرابت و رحم را می‌توان امری عرفی شناخت.

بر این اساس، همه افرادی که در خانواده‌ای به عنوان فامیل و بستگان شخص شناخته شده‌اند عنوان رحم خواهند داشت و در لزوم رعایت آنان باید مراقبت شود؛ اگرچه در لزوم و فضل این نسبت مراتب افراد متفاوت است (صادقی ۱۴۰۱: ۱۳۹) و مشخصاً افراد بسیار دوردست در نسبت و قرابت که به حسب عرف جزء این فامیل و خانواده شناخته نمی‌شوند و با اینکه به حسب واقع به یک ریشه برمی‌گردند عرفاً مشمول این عنوان نیستند تا احکام صله رحم بر آنان جاری شود، هرچند به جهاتی دیگر لازم‌الرعايه باشند.

صله ارحام یا تثبیت هویت

در فرهنگ‌های مختلف افراد به هویت خانوادگی و ریشه‌های وجودی و تکوینی خود بسیار اهمیت می‌دهند و هیچ‌کس از نامعلوم بودن موقعیت انتساب خانوادگی خود خرسند نیست، در بعضی احکام نورانی اسلام، مثل تحریم روابط جنسی نامشروع، به آثار ویرانگر این جرم که یکی از آن‌ها همین مفسده است، اشاره شده و در احادیث معصومین (علیهم السلام) راجع به حرمت عمل منافی عفت به این مطلب تصریح شده که زنا باعث اختلاط انساب و نابودی هویت افراد می‌باشد^۱ و در این نوع از احادیث^۲ همان صیانت و حفظ هویت نسبی افراد، که مطلوب فطری انسان است، مورد توجه قرار گرفته و تأیید و تأکید شرع را بر آن خاطر نشان ساخته است.

همان‌طور که در بدو پیدایش و ولادت شخص حفظ موقعیت نسبی او نزد شرع و عقلای عالم مورد توجه ویژه است، در دوران زندگی نیز حفاظت و صیانت از هویت و نسب خانوادگی شخص دارای ارزش و اهمیت است. لازم است افراد اعضای خانواده و منسوبین خود را بشناسند تا موقعیت خانوادگی آنان مشخص و انتساب‌ها محفوظ بماند. صله رحم یکی از عوامل مهم در حفظ و صیانت و شناخت نسبت‌های خانوادگی است. تجربه ثابت کرده بعضی خانواده‌ها در اثر بی‌اعتنایی به وظایف مربوط به خویشاوندان خود بعضی افراد خانواده خود را از یاد می‌برند و تدریجاً نسبت و نسب آن‌ها در چند نسل از میان می‌رود. مثلاً شخص از خاندان مخصوصی است که انتساب به آن نه تنها مطلوب بلکه باعث افتخار است؛ اما قطع ارتباط باعث شده آن‌ها را نشناسد. حتی در مواردی دیده شده مراتب بسیار قریب رحم به سبب قطع رحم یک‌دیگر را نمی‌شناسند. احکام و آدابی در رابطه با صله رحم در ادیان آسمانی و به‌خصوص آیین مقدس اسلام وارد شده که در فرض عمل به آن‌ها آثاری بر آن‌ها مترتب است که یکی از این آثار حفظ هویت است که خود منشأ بسیاری از آثار دیگر است که در ادامه به بخشی از آن‌ها پرداخته خواهد شد.

۱. أن أبا الحسنِ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى الرِّضَا عليه السلام كَتَبَ إِلَيْهِ فِيمَا كَتَبَ مِنْ جَوَابِ مَسَائِلِهِ حَرَّمَ الزَّوْجَا لِمَا فِيهِ مِنَ الْفَسَادِ مِنْ قَتْلِ الْأَنْفُسِ وَ ذَهَابِ الْأَنْسَابِ وَ... (ابن بابویه ۱۳۸۵: ج ۲، ۴۷۹).

۲. مجلسی ۱۴۰۳: ج ۷۶، باب ۶۹.

رعایت ارحام و پیشگیری از جرایم

در فرهنگ‌ها و ملیت‌های مختلف برای جلوگیری از جرایم در جامعه هزینه‌های بالا خرج می‌کنند و حکمت جعل بسیاری از نهادهای اجتماعی از ناحیه دولت‌ها ممانعت و پیشگیری از جرم است. این عملکردی عقلایی است که قبل از وقوع جرم و تحمل خسارات ناشیه از آن به اسباب پیشگیری از آن، مثل تربیت در خانواده و مجهز کردن آموزش و پرورش، پرداخته میشود. رسانه‌های جمعی، مساجد و مراکز عبادی و فرهنگی، دستگاه‌های قانون‌گذاری به امکانات مادی و معنوی در این رابطه و ایجاد ساختاری نافذ و مؤثر که آحاد جامعه را در دوره‌های مختلف سنی برای پرورش روحی و اخلاقی مناسب آماده کنند که با تربیتی صحیح از قرار و متانت و عقلانیت مناسب بهره‌مند شوند.

و طبعاً در چنین موقعیتی در مواجهه با انگیزه‌های ارتکاب جرم نیروی کنترل‌کننده و روانی او را مهار می‌کند و به‌آسانی در هر جا زمینه فعل خلاف وجود دارد اقدام نمی‌کند. پژوهش‌ها نشان می‌دهند بین دین‌داری و تربیت دینی و مدارای اجتماعی رابطه وجود دارد؛ بدین معنی که دین ارزش‌های خاصی را تجویز می‌کند که فرد دین‌دار خود را پایبند به آن‌ها خواهد دانست و با رفتارهای متضاد آن‌ها، مثل جرم و جنایات، مدارا نخواهد کرد (زالی‌زاده ۱۳۹۷: ۱۴۲).

با توجه به مطالب یادشده می‌توان به این مطلب پی برد که یکی از عوامل اثرگذار در پیشگیری از وقوع جرم رعایت ارحام و بستگان و انجام دادن وظایف مربوط به آنان است.

بیان مطلب بدین شرح است که رعایت حق ارحام و بستگان در مراتب مختلف مستلزم وظایفی است که به عهده افراد است؛ از قبیل رسیدگی مالی و اعانت آن‌ها به نحو خاص و به عنوان ذوی‌الارحام، مراقبت از آنان در مقابل صدمات مختلف روحی و جسمی، و دفاع از آن‌ها در مقابله با دشمنان و بدخواهان که در ادامه بیان خواهد شد. رعایت افراد در هر یک از این موارد دارای آثاری است که زمینه‌بازداری از جرم است. بسیاری از جرایم در جامعه ناشی از فقر و تنگدستی است. گرچه افراد فرهیخته و صبور و متقی با ابتلای به فقر مرتکب خلاف نمی‌شوند و با پشتوانه‌های اخلاقی و معنوی که از آن برخوردارند حاضر به نابودی ارزش انسانی خود نمی‌شوند، افراد همیشه در بهره‌مندی از این فضایل یکسان نیستند و بسیاری فاقد آن‌ها هستند یا

در درجه‌ای قرار دارند که تا حد معینی آن‌ها را حفظ می‌کند. اگر فرد در جامعه به هر دلیل گرفتار تنگدستی است و سایر افراد و مسئولان اجتماعی به نحو عام و اقربا به نحو خاص به او رسیدگی نکنند، ارتکاب جرایمی از قبیل سرقت، خودفروشی، رشوه برای او زمینه‌سازی می‌شود و در چنین موقعیتی است که طبعاً رسیدگی اقربای خاص به چنین فردی این زمینه‌ها را از بین می‌برد.

افراد جامعه همیشه در معرض اختلالات روحی و ناامنی‌های روانی هستند. در چنین وضعیتی هیجان‌ات روحی و عصبانیت زمینه‌های ارتکاب جرم را در افراد عادی می‌سازد. خلأ و ناامنی روحی عامل مهمی در ارتکاب جرایم است و هر امری که باعث آرامش روحی شود موجب پیشگیری خواهد شد. همان‌طور که در ادامه بیان خواهد شد، یکی از عوامل اثرگذار در آرامش روحی روابط گرم خانوادگی و توجه به وظایف صلۀ ارحام است.

گاهی افراد در اثر تضاد و تعارض در منافع مختلف گرفتار درگیری‌ها و برخورد با دیگران خواهند شد و در پرتو مخاصمات و درگیری‌ها گاهی مرتکب جنایت و جرم می‌شوند. تواصل ارحام و رعایت وظایف در این رابطه از جهاتی زمینه‌های عداوت‌ورزی را از بین می‌برد و گاهی وسیله اصلاح و رفع عداوت و در مواردی باعث حمایت از شخص و پیشگیری از جنایت دیگران علیه او خواهد شد و خلاصه حمایت‌های معقول خانواده از چنین افرادی به انحای مختلف جرم‌ها را مهار خواهد کرد.

قرآن کریم و صلۀ ارحام

در قرآن کریم آیاتی نازل شده که نشان از اهمیت صلۀ رحم دارد^۱ و مضمون این موارد در ستایش انسان‌های وارسته به رعایت این وظیفه^۲ و نکوهش کسانی است که به این وظیفه عمل نمی‌کنند.^۳

۱. «وَ اتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي تَسَاءَلُونَ بِهِ وَالْأَرْحَامَ» (نساء / ۱).

۲. «وَ الَّذِينَ يَصِلُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ» (رعد / ۲۱).

۳. «فَهَلْ عَسَيْتُمْ إِنْ تَوَلَّيْتُمْ أَنْ تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ وَ تَقَطُّعُوا أَرْحَامَكُمْ. أُولَئِكَ الَّذِينَ لَعَنَهُمُ اللَّهُ فَأَصَمَّهُمْ وَ أَعَمَّى أَبْصَرَهُمْ» (محمد / ۲۲ و ۲۳)؛ «الَّذِينَ يَنْقُضُونَ عَهْدَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مِيثَاقِهِ وَ يَقَطُّعُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ وَ يُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ أُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ» (بقره / ۲۷)؛ «وَ الَّذِينَ يَنْقُضُونَ عَهْدَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مِيثَاقِهِ وَ يَقَطُّعُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ وَ يُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ أُولَئِكَ لَهُمُ اللَّعْنَةُ وَ لَهُمْ سُوءُ الدَّارِ» (رعد / ۲۵).

خداوند در آیه ۲۷ سوره بقره کسانی را که قطع کننده پیوندی هستند، که خداوند به وصل آن امر فرموده، خسران زده و زیان کار خوانده است. مراد از این پیوند همان صله رحم^۱ است (ابن ابی الحاتم ۱۴۱۹: ج ۱، ۷۲؛ طوسی ۱۴۰۹: ج ۱، ۱۲۱؛ فیض کاشانی ۱۴۱۸: ج ۱، ۲۳) و مفهوم آیه می‌رساند که وصل به ارحام و رعایت ایشان واجب است و چنان اهمیتی دارد که قطع آن موجب خسارت است.

همچنین آیات ۲۲ و ۲۳ سوره محمد کسانی را که قطع رحم می‌کنند مورد لعن خداوند معرفی کرده است. در حدیثی از امام سجاد (علیه السلام) آمده که ایشان نهی فرمودند از همنشینی با کسی که ترک صله رحم کرده و از خویشان خود بریده است و دلیل آن را آیتی از قرآن بیان کرده که قاطع صله رحم را ملعون شمرده‌اند^۲ (حرعاملی ۱۴۰۹: ج ۱۲، ۳۲).

در آیه ۲۵ سوره رعد آمده: «وَالَّذِينَ يَنْقُضُونَ عَهْدَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مِيثَاقِهِ وَيَقْطَعُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ وَيُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ أُولَئِكَ لَهُمُ اللَّعْنَةُ وَ لَهُمْ سُوءُ الدَّارِ» اکثر مفسران مراد از «سوء الدار» را سرای آخرت و عذاب دوزخ دانسته‌اند. اما صفوی عبارت را این‌گونه ترجمه کرده: [کسانی که قطع رحم می‌کنند] ناگواری‌های این سرا را خواهند داشت (صفوی ۱۳۸۸: ۲۵۲). باید گفت این برداشت از آیه نیز قابل تأمل و تا حد زیادی صحیح است؛ بدین شرح که قطع رحم آسیب‌هایی دارد و از طرفی آثار نیک صله رحم شامل این افراد نمی‌شوند و در نتیجه در این دنیا دچار ناگواری و سوء خواهند شد.

اینکه در تعبیر آیات قرآنی یادشده عقوبت لعن الهی برای قاطعین رحم بیان شده نشان‌دهنده نافرجامی قطع رحم و رعایت نکردن اقباس است. چون ملعون کسی است که از هر جهت محروم از عنایات خاص خداوند و به تعبیری دور از رحمت اوست و کسی که از رحمت خدا محروم شود گویی همه راه‌های خیر بر او بسته می‌شود و با دقت در موارد استعمال این واژه در قرآن و روایات

۱. البته در بیان دیگر و یا به عبارتی تأویل آیه آمده که مراد صله و پیوند با معصومین (علیه السلام) و امیرالمؤمنین (علیه السلام) است (قمی ۱۳۶۳: ج ۱، ۳۵).

۲. عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِيهِ قَالَ: قَالَ لِي أَبِي عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَا بُنَيَّ انْظُرْ خَمْسَةً فَلَا تُصَاحِبُهُمْ ... وَإِيَّاكَ وَمُصَاحِبَةَ الْقَاطِعِ لِرَحْمِهِ فَإِنِّي وَجَدْتُهُ مَلْعُونًا فِي كِتَابِ اللَّهِ فِي ثَلَاثَةِ مَوَاضِعٍ ...

– مثل احزاب / ۶۴ (کافران)، نساء / ۱۱۸ (شیطان)، احزاب / ۵۷ (مخالفتان و آزاردهندگان خدا و پیامبر)، رعد / ۲۵ (مفسدین فی الارض)، غافر / ۵۲ (ظالمین)، موقعیت سخت و نافرجام قاطع رحم در دیدگاه اسلامی مشخص می‌شود.

توجه به موقعیت ناروای اختلاف در قطع رحم

موضوع وحدت و همدلی و دوری از تفرقه و اختلاف در جوامع مورد عنایت الهی بوده و در قرآن کریم رسماً عامه انسان‌ها به آن دعوت شده‌اند: «وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا» (آل عمران / ۱۰۳). حفظ وحدت دستورالعملی است که در مجتمعات عمومی حتی با فرهنگ‌های مختلف مورد تشویق و ترغیب قرار گرفته و آسیب‌های بالای اختلاف برای آحاد جامعه امری آشکار و انکارناپذیر است. متقابلاً برکات جمعیت‌های متحد و دوست و بهره‌مندی آنان از وحدت و ثمره مادی و معنوی آن امری آشکار و مجرب است. در فرهنگ قرآن کریم و آموزه‌های وحیانی همه انسان‌ها به امت واحده بودن تشویق شده‌اند و رویه سازش و صلح و دوستی با همه فرهنگ‌ها، مگر در موارد خاصه که جمعیتی معاند طرف مقابل باشد، دستور قرآن کریم است و زیان اختلاف و تفرقه امت آنقدر ناگوار است که در جریان انحراف بنی اسرائیل در مقطعی از هجرت پیامبرشان، حضرت موسی (علیه السلام)، و گوساله‌پرست شدن آن‌ها، وقتی بعد از مراجعت برادرش حضرت هارون (علیه السلام)، را با سختی توبیخ و مؤاخذه می‌کند که چرا مانع آن‌ها نشدی حضرت هارون (علیه السلام) چنین عذرخواهی می‌کند: «إِنِّي خَشِيتُ أَنْ تَقُولَ فَرَّقْتَ بَيْنَ بَنِي إِسْرَائِيلَ» (طه / ۹۴)؛ همانا ترسیدم که بگویی بین بنی اسرائیل تفرقه ایجاد کردی.

یعنی اگر در مقابل آنان می‌ایستادم و مقاومت می‌کردم، تفرقه ایجاد می‌شد و از اختلاف آنان امروز مرا مؤاخذه می‌کردی. حضرت موسی (علیه السلام) این توجیه را رد نکرد و به نوعی برادر را تأیید کرد که مفاد ضمنی این مطلب نشان از مذمت بالای تفرقه و اختلاف دارد.

همچنین در قرآن کریم عذاب بعضی گناهان به عنوان اختلاف و فرقه فرقه شدن ذکر شده است (انعام / ۶۵).^۱ همه این موارد نشان‌دهنده ارزش بالای اتحاد و مضرات بسیار اختلاف

۱. «أَوْ يَلْبَسَكُمْ شِيْعًا وَيَذِيقَ بَعْضَكُمْ بَأْسَ بَعْضٍ».

جمعیت‌ها است. حال اگر در جمعیت‌های عامه وحدت و همدلی این قدر پسندیده و اختلاف تا این حد ناگوار است، در جمعیت‌های خاصه، مثل ارحام و خانواده‌ها، با فرهنگ‌های واحد، جایگاه این دو جریان کاملاً مشخص است و مطمئناً یکی از نتایج صله ارحام الفت و وحدت و یکپارچگی مجموعه خاندان و افراد آنان با یکدیگر است و در مقابل بی‌توجهی به این آموزه الهی سبب ازهم‌گسیختگی و اختلافات اقوام و بستگان خواهد شد و طبق تفسیری از آیه ۲۲ سوره مبارکه محمد^۱ فساد فی الارض و عدم رعایت ارحام عقوبتی باشد که مترتب بر اعراض از خدا و رسول (صلی‌الله‌علیه‌وآله) کیفر آن ذکر شده است. به دیگر سخن، قرآن کریم تفرقه در جامعه و کینه‌توزی را نتیجه گناه و نوعی عقوبت به حساب آورده است.

آثار و برکات صله رحم در احادیث

صله رحم آثار و برکات بسیاری دارد؛ طولانی شدن عمر، پاکی اعمال^۲، آبادی شهرها^۳، محبت خدا^۴، حمایت و یاری خداوند^۵، سعادت‌مندی^۶، گذر آسان از صراط^۷، دفع مرگ سخت^۸، تقویت خوی سخاوت^۹، و ...

در ادامه از میان این فواید به توضیح برخی موارد پرداخته خواهد شد.

۱. «فَهَلْ عَسَيْتُمْ إِنْ تَوَلَّيْتُمْ أَنْ تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ وَ تَقَطَّعُوا أَرْحَامَكُمْ».

۲. قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ صَلَوةُ الْأَرْحَامِ تُزَكِّي الْأَعْمَالَ (کلینی ۱۴۰۷: ج ۲، ۱۵۲).

۳. قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ صَلَوةُ الرَّحِمِ وَ حُسْنُ الْجِوَارِ يَغْمُرَانِ الدِّيَارَ وَ يَزِيدَانِ فِي الْأَعْمَارِ (مجلسی ۱۴۰۳: ج ۷۱، ۱۲۰).

۴. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ: مَنْ ضَمِنَ لِي وَاحِدَةً ضَمِنْتُ لَهُ أَرْبَعَةَ يَصِلُ رَحِمَةً فَيُجِئُهُ اللَّهُ تَعَالَى ... (مجلسی ۱۴۰۳: ج ۷۱، ص ۹۲).

۵. ... فَإِذَا فَعَلْتَ ذَلِكَ كَانَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ لَكَ عَلَيْهِمْ طَهِيْرًا... (مجلسی ۱۴۰۳: ج ۷۱، ۱۰۱).

۶. صله الرحم تحول الشقاء سعادة ... (پاینده، بی تا، ۵۴۹).

۷. خَافَتَا الصِّرَاطَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ الرَّحِمِ ... (مجلسی ۱۴۰۳: ج ۷۱، ۱۱۸).

۸. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ صَبَّحُ الْمَعْرُوفِ يَدْفَعُ مِئَةَ سُوءٍ وَ الصَّدَقَةُ فِي السَّرِّ تُطْفِئُ غَضَبَ الرَّبِّ وَ صَلَوةُ الرَّحِمِ تَزِيدُ فِي الْعُمْرِ وَ تَنْفِي الْفَقْرَ (مجلسی ۱۴۰۳: ج ۷۱، ۱۰۳).

۹. عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: صَلَوةُ الْأَرْحَامِ تُحَسِّنُ الْخُلُقَ وَ تُسْمِعُ الْكُفَّ... (مجلسی ۱۴۰۳: ج ۷۱، ۱۱۴).

الف) طولانی شدن عمر

طولانی شدن عمر و استمرار حیات مطلوب غریزی و محبوب همه انسان‌ها است که به حسب معمول افراد برای تأمین آن هزینه‌های درمانی و پزشکی بالایی را متحمل می‌شوند. بقای عمر به عوامل مختلفی بستگی دارد. بخشی از آن‌ها مادی و فیزیکی هستند که یا از طریق بهداشت و پیشگیری اثرگذارند یا به درمان و رفع عوارض بیماری می‌پردازند؛ که هر دو باعث ازدیاد عمر خواهند شد. می‌توان گفت صلۀ رحم و رابطۀ دوستانه با اقربا و خویشاوندان هم در بخش بهداشت هم در بخش درمان از عوامل اثرگذار طبیعی است. در بیماری‌های روانی نیز آثار همدلی و همراهی خانوادگی هم در پیشگیری هم در درمان آن‌ها نتایج محسوس دارد. خانواده‌های منزوی و محروم از مراوده‌ها و پشتوانه‌ها و حمایت‌های بستگان رسماً از نظر روحی و در نتیجه از نظر جسمی آسیب‌پذیرند و اختلالات روحی در آنان محسوس و مشهود است. ولی طبق بیان معصوم^(علیه السلام) صلۀ رحم و مراعات بستگان فراتر از این آثار طبیعی دارای اثر معنوی و نشئت‌گرفته از عوامل غیرمادی است. در یک تحلیل منطقی و شرعی به این نتیجه می‌رسیم که عوامل در حدوث حوادث دارای اقسام مختلفی است و بر مبنای اصل علت هیچ حادثه‌ای بدون علت حادث نمی‌شود. اما اثبات انحصاری بودن علت پدیده‌ای آسان نیست، بلکه ممکن است یک حادثه از چند مسیر قابل تحقق باشد. چه بسیار مواردی هستند که علت وقوع حادثه در طبیعت وجود دارد و از راه طبیعی قابل انجام شدن است و در ماوراء طبیعت هم علتی دارد که از آن طریق نیز قابل رخ دادن است که گاهی تأثیر آن علت ماوراء طبیعی فقط به خواست و اراده افراد خاصی وابسته است؛ مانند آنچه در باب معجزات انبیا و معصومان اتفاق می‌افتد. مثلاً وجود حیوانی مثل اژدها دارای عللی عادی و طبیعی است که از طریق جفت‌گیری نر و ماده و تخم‌گذاری ماده و فراهم شدن همه زمینه‌های طبیعی چنین حیوانی به وجود می‌آید. اما ممکن است پیدایش چنین حیوانی دارای علتی ناشناخته و ماوراء طبیعی هم باشد که با اقدام پیامبری همچون حضرت موسی^(علیه السلام) به وجود آید. مثال دیگر شفای مریض است که گاهی از راه طبیعی و با استفاده از داروی مناسب صورت می‌گیرد و گاهی با علتی ماورائی، مانند دعای فردی خاص یا صلۀ رحم یا صدقه، مریض بهبود می‌یابد.

بنابراین آنچه در احادیث معصومان (علیهم السلام) در مورد تأثیر خوبی بر ارحام و بستگان و احسان به آن‌ها در طول عمر و سلامت ذکر شده، که به بعضی از روایات آن در ادامه اشاره خواهد شد، مطابق قوانین کلی عالم و سنت الله است و به تعبیری اثر خاص این نوع رفتار است که خداوند در جعل و آفرینش عالم لحاظ فرموده است.

در مورد تأثیر صله رحم بر طول عمر اخبار بسیاری وارد شده که در ادامه چند مورد از آن‌ها می‌آید. ابن مسکان از شخصی نقل می‌کند که در منزل امام صادق (علیه السلام) بودند و در این جمع میسر نیز حضور داشت. از صله اقربا صحبت می‌کردند. امام صادق (علیه السلام) فرمود: «ای میسر بیش از یک مرتبه اجل و مرگ تو رسیده و در هر مرتبه خداوند آن را به دلیل صله اقربا که انجام داده بودی به تأخیر انداخته است.»^۱ (مجلسی ۱۴۰۳: ج ۷۱، ۱۰۲).

در روایت دیگری امام صادق (علیه السلام) از پیامبر (صلی الله علیه و آله) نقل کرده: صله رحم طول عمر را زیاد می‌کند و فقر و تنگدستی را از بین می‌برد.^۲ (مجلسی ۱۴۰۳: ج ۷۱، ۱۰۳).

امام صادق (علیه السلام) در نقل دیگری فرموده: چیزی را که باعث زیادتی عمر شود جز صله رحم نمی‌دانیم. حتی ممکن است شخصی سه سال از اجل و پایان عمرش باقی باشد و شیوه‌اش صله رحم باشد. به همین دلیل خداوند سی سال بر عمرش می‌افزاید و عمر او را سی و سه سال قرار می‌دهد و ممکن است شخصی تا پایان عمرش سی و سه سال باقی است و قطع رحم کند آن‌گاه خداوند سی سال از عمرش می‌کاهد و اجل او را تا سه سال قرار می‌دهد.^۳ (مجلسی ۱۴۰۳: ج ۷۱، ۱۲۱).

احادیث متعددی به همین مضمون از ائمه نقل شده و در یکی از این موارد امام موسی بن جعفر (علیه السلام) شخصی به نام عقرقوفی را که بر حضرت وارد می‌شود مورد توبیخ قرار می‌دهد و

۱. عن ابن مسكان عن رجل انهم كانوا في منزل أبي عبد الله عليه السلام وفيهم ميسر فتذاكروا صلة القرابة فقال أبو عبد الله عليه السلام يا ميسر لقد خضر أجلك غير مرة كل ذلك يؤخرك الله لصلتك لقرابتك.

۲. عن الصادق عن أبيه عليهم السلام قال قال رسول الله صلى الله عليه وآله صلة الرحم تزيد في العمر وتفي الفقير.

۳. عن إسحاق بن عمار قال قال أبو عبد الله عليه السلام ما نعلم شيئاً يزيد في العمر إلا صلة الرحم حتى إن الرجل يكون أجله ثلاث سنين فيكون وصوفاً للرحم فيزيد الله في عمره ثلاثين سنة فيجعلها ثلاثاً وثلاثين سنة ويكون أجله ثلاثاً وثلاثين سنة فيكون قاطعاً للرحم فينقصه الله ثلاثين سنة و يجعل أجله إلى ثلاث سنين.

بعد از حکایت نزاعی که بین او و برادرش واقع شده می‌فرماید که برادرت از دنیا رفت به این جهت که در اثر نزاع و دشنام با تو قطع رحم کرد و تو نیز اگر در منزل دیگر صلۀ رحم و (به عمه) خود احسان نکرده بودی سرنوشت برادرت را داشتی؛ یعنی چون تو هم به او دشنام دادی و قطع رحم کردی عمرت کوتاه شد، اما به واسطه انجام دادن وظیفه و رعایت ارحام در منزل دیگر مجدد بیست سال به تو مهلت داده شد (کشی ۱۴۰۹: ۴۴۲).

ب) دفع بلايا

ابی حمزه از امام باقر^(ع) نقل می‌کند که حضرت فرمود: «صلۀ ارحام اعمال را پاکیزه می‌کند و اموال را فزونی می‌دهد و بلايا را دفع می‌کند و حساب را آسان می‌کند و باعث تأخیر اجل است.»^۱ (کلینی ۱۴۰۷: ج ۲، ۱۵۰).

در این حدیث، ضمن آثار متعدد صلۀ ارحام، دفع بلايا بیان شده است. در نظام دنیا، آدمی همیشه در معرض بلايا و پیشامدهای ناگوار است. حوادث دردناک و ناگوار که منشأ آن‌ها گاهی عملکرد خود انسان و گاهی امتحان الهی است در شکل‌های مختلف - از قبیل سیل، زلزله، تصادفات، مریضی‌ها - دائماً انسان را تهدید می‌کند و در پیشگیری از آن‌ها و رفع آن‌ها بشر از امور مختلف استفاده می‌کند. زیرا بلا و مصیبت طبعاً امری نامرغوب و شکننده است و همان‌گونه که بشر در تأمین سلامت خود از راه‌های مختلف هزینه می‌کند، برای جلوگیری از گرفتاری‌ها و بلايا و همین‌طور رفع آن‌ها از هر وسیله ممکن استفاده می‌کند. مثلاً برای پیشگیری از آفات سیل و زلزله از هر راهی، مثل تحکیم بناها و نوع تأسیس و حتی دستگاه‌های اطلاع‌رسانی، استفاده می‌کند. برای پیشگیری از میکروب‌ها یا علاج مبتلایان از هر نوع واکسن و دارو کمک می‌گیرد. برای پیشگیری از سقوط از هر نوع وسیله تأمین و نرده‌گذاری در معابر و منازل دریغ نمی‌کند. این رویه عقلایی در همه فرهنگ‌ها وجود دارد و در آموزه‌های شرعی و الهی هم این رویه مورد تأیید و سفارش رسمی است.

۱. عَنْ أَبِي حَمَزَةَ قَالَ قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ صَلَّةُ الْأَرْحَامِ تُزَكِّي الْأَعْمَالَ وَتُنْمِي الْأَمْوَالَ وَتَدْفَعُ الْبَلَوَى وَتُسِّرُّ الْحِسَابَ وَتُنْسِي فِي الْأَجَلِ.

همان‌طور که راجع به تأثیر عوامل غیرطبیعی در طول عمر قبلاً گذشت، برای پیشگیری و علاج بلا یا و پیشامدهای ناگوار نیز عوامل ماوراء طبیعی وجود دارد که اعمال و تأثیر آن‌ها با اعمالی اختیاری از بشر صورت می‌گیرد، همانند انفاق‌های مالی و صدقات، توسلات به اولیای الهی، و همین‌طور صله ارحام که مورد بحث است. به این دسته عوامل در حدیث یادشده رسماً تصریح شده و این نوع آثار از صله رحم برای بسیاری از افراد تجربه و مشخص شده است و بعضی از اهل معرفت به اذعان و اعتقاد و گاهی از طریق مکاشفات یا رؤیاهای صادقانه صله رحم را در این رابطه تجربه کرده‌اند.

آنچه در حدیث بیان شده دفع بلا به وسیله صله ارحام است و بر این اساس گاهی بلا و مصیبتی بر شخص تقدیر شده، بدون اینکه خود مطلع باشد، و به واسطه احسان به ارحام و صله رحم آن بلا دفع می‌شود و چه بسیار گرفتاری‌ها و بلا یا که از افراد و جوامع به این واسطه دفع می‌شود و خود آن‌ها هیچ آگاهی از آن ندارند.

ج) پیشگیری از فقر

فقر و تنگدستی در زندگی افراد از مشکلات جدی و انکارناپذیر است و عوامل مختلف در آن وجود دارد. گاهی ظلم هم‌نوعان به شکل‌های مختلف در تنگدستی افراد جامعه دخیل است که ممکن است از عوامل عمده به حساب آید که با زیاده‌خواهی‌های منفعت‌طلبان طبعاً حقوقی از دیگران ضایع و باعث تنگدستی آن‌ها می‌شود. لکن یکی از عوامل مهم در فقرزدایی پیشگیری از تعدی و ظلم و زیاده‌خواهی ظالمان و متکبران است. عوامل دیگری برای فقرزدایی و سامان‌بخشی به مشکلات جامعه وجود دارد که با بررسی جوانب مختلف مسائل اجتماعی می‌توان به این نتیجه رسید که یکی از عوامل مهم در این زمینه صله ارحام است. این ثمره ممکن است به عنوان یک رابطه طبیعی مورد بررسی قرار گیرد و البته گاهی صله رحم به عنوان یک عامل ماوراء طبیعی در رفع فقر و تنگدستی فردی و اجتماعی قابل بررسی است. مورد اول به این صورت تحلیل می‌شود که در جوامع و فرهنگ‌هایی که خانواده‌ها و خویشاوندان دارای روابط مستحکمی هستند از نوعی تعاون و همکاری، همیاری، هم‌فکری، و همراهی بهره‌مندند. طبعاً چنین مجموعه‌ای اگر در بعضی حلقات مختل شود و نابسامانی پدیدار شود، در ابعاد مختلف مورد توجه قرار می‌گیرد و از ناحیه سایر حلقات و آحاد

مجموعه هر نوع کمبود و فقر در این مورد و از جمله فقر مالی قابل جبران است. به تجربه ثابت شده است که خانواده‌هایی که از رابطه‌ای گرم برخوردارند اگر فرد یا خانواده‌ای از آن‌ها به نوعی مشکل مالی دچار شود مورد توجه قرار می‌گیرد، بلکه از عوامل بروز چنین مشکلی به انحای مختلف جلوگیری می‌شود. گاهی سلامت و شادابی و تعادل روحی که در خانواده‌های بامحبت و گرم به بار می‌نشیند می‌تواند در پیشگیری از تساهل و کم‌کاری‌های فقرآفرین و از آن مهم‌تر پیشگیری از کج‌فهمی‌ها در مسائل اقتصادی اثرگذار باشد. تجربه‌های موفقیت در امور اقتصادی در این خانواده‌ها نقل و انتقال می‌شود و در نتیجه از زمینه‌های فقر می‌کاهد و از این قبیل بسیار است اموری که در دفع و رفع فقر در جوامع عامل آن صلۀ ارحام بوده است.

اما آنچه از این موارد مهم‌تر است عوامل ماوراء طبیعی و معنوی است که منشأ رفع فقر و تنگدستی جوامع و افراد نیازمند است و آموزه‌های دینی و احادیث معصومین به حسب ظاهر ناظر به آن آثار است که نمونه‌ای از آن‌ها حدیث امام صادق (علیه السلام) است که فرموده: «صلۀ رحم عمر را زیاد می‌کند و فقر را از بین می‌برد.»^۱ (مجلسی ۱۴۰۳: ج ۷۱، ۱۰۳). در این روایت به صراحت رابطه از بین رفتن فقر همانند رابطه طول عمر با صلۀ رحم ذکر شده است. مانند همین عبارت نیز از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) نقل شده است:

«اعمال نیک مرگ سوء (مثل جان دادن‌های دشوار، مرگ در حال سوختن با آتش، مرگ زیر آوارها، و ...) را از انجام‌دهنده دفع و صدقه غیرآشکار غضب پروردگار را خاموش می‌کند و صلۀ رحم عمر را طولانی می‌کند و فقر و تنگدستی را از بین می‌برد.»^۲ (مجلسی ۱۴۰۳: ج ۷۱، ۱۰۳).

د) تکثیر اموال

در حدیثی از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) راجع به آثار صلۀ رحم می‌خوانیم: «صلۀ رحم باعث زیادی اموال و محبوبیت در خاندان و تأخیر اجل است.»^۳ (مجلسی ۱۴۰۳: ج ۷۱، ۱۰۲).

۱. عن الصادق عليه السلام عن آبائه عليهم السلام قال قال رسول الله صلى الله عليه وآله صلِّ الرِّحِمَ تَزِيدُ فِي الْعُمْرِ وَ تَنْفِي الْفَقْرَ.

۲. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ صَنِيْعُ الْمَعْرُوفِ يَدْفَعُ مِيتَةَ السُّوءِ وَ الصَّدَقَةُ فِي السَّرِّ تُطْفِئُ غَضَبَ الرَّبِّ وَ صَلِّ الرِّحِمَ تَزِيدُ فِي الْعُمْرِ وَ تَنْفِي الْفَقْرَ.

۳. إِنَّ صَلِّ الرِّحِمِ مَثْرَاءٌ فِي الْمَالِ وَ مَحَبَّةٌ فِي الْأَهْلِ وَ مَنَسَأَةٌ فِي الْأَجَلِ. هم چنین روایت دیگری از رسول در ارتباط وسعت

تأثیر صله رحم در رفع فقر که در احادیث متعدد ذکر شده در بخش قبل گذشت. اما کثرت دارایی و تمول امری فراتر از فقرزدایی و مطلوب طبایع بشری است. نوع افراد نه تنها از فقر و تنگدستی رنج می‌برند و خواستار تأمین معیشت عادی هستند، بلکه خواهان وسع معیشت و کثرت دارایی هستند. تأثیر صله ارحام در نیل به این مطلوب و وسع ابزار معیشت اولین ثمره‌ای است که در حدیث منقول از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) ذکر شده است.

ه) محبویت و وجهه خانوادگی

به طور طبیعی، هر کس دوست‌دار آن است که میان اعضای خانواده مورد توجه و احترام و محبوب آنان باشد؛ چنانکه وجهه اجتماعی و مورد توجه آحاد مختلف جامعه بودن مطلوب غریزی انسان است. به طور خاص، این خواسته در دایره خصوصی و آشنایان نزدیک به انسان، یعنی خانواده، بیشتر محسوس است و معمولاً افراد در جلب محبت دیگران و نزدیکانشان از همین موفقیت بهره می‌برند. در دعاهای منقول از معصومان همین مطلب از خداوند درخواست شده که نشان‌دهنده اهمیت آن نزد درخواست‌کننده و معقول و مرغوب بودن آن نزد اولیای الهی است؛ «و أَعَزَّنِي فِي عَشِيرَتِي وَ قَوْمِي.» (کفعمی ۱۴۰۵: ۱۰۸) که شاید حفظ وجهه و آبرو اصلی‌ترین مقصود در این دعا باشد.

در دستیابی به وجهه اجتماعی و خانوادگی عوامل مختلفی اثرگذارند؛ همانند سخی بودن و خوش‌خلقی، خیرخواهی و اعانت و دادرسی گرفتاران، ایثار و فداکاری برای آن‌ها. یکی از این عوامل که در ارتباط با خانواده و موضوع بحث ماست صله ارحام است که خود مستجمع سایر عوامل و معمولاً همراه همه آن‌هاست یا به تعبیری مستلزم آن‌هاست. صله رحم و تحقق این فضیلت انسانی فضایل والایی، همانند سخاوت و خوش‌خلقی و ایثار و ... را به دنبال خواهد داشت که همه آن‌ها موجب محبویت انسان در خاندان خواهد شد.

اینکه در بیانات معصومین صله رحم از عوامل محبویت در خاندان ذکر شده اشاره به همین واقعیت انکارناپذیر دارد. در این زمینه سخن رسول خدا (صلی الله علیه و آله) را می‌توان ذکر کرد:

رزق با صله رحم وارد شده است؛ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ مَنْ سَرَّهُ أَنْ يَمُدَّ اللَّهُ فِي عُمُرِهِ وَ أَنْ يَبْسُطَ لَهُ فِي رِزْقِهِ فَلْيَصِلْ رَحِمَهُ (کلینی ۱۴۰۷: ج ۲، ۱۵۶).

«همانا صلۀ رحم وسیله کثرت ثروت و محبت در خاندان و تأخیر اجل است.»^۱ (مجلسی ۱۴۰۳: ج ۷۱، ۱۰۲).

و) تحسین خلق و تزکیه اعمال

صلۀ رحم و رعایت خویشاوندان در باروری اخلاق پسندیده شخص اثرگذار است و وجه این اثرگذاری با کمترین دقت قابل تجلیل و پذیرش است. چون عملکردهای ملازم صلۀ رحم نوعی تمرین و کسب ممارست در فضایل اخلاقی است. با انجام دادن وظایف در این زمینه - مثل خوش‌برخوردی، عفو و گذشت، سخاوت، بلکه ایثار و از خودگذشتگی که لازمه رعایت خویشاوندان است - دائم زمینه پرورش این نوع فضایل در شخص ایجاد می‌شود. بعضی بیانات منقول از معصومین، که در این رابطه است، ممکن است ناظر به همین واقعیت باشد که به طور طبیعی و با توجه به لوازم رعایت ارحام، که اشاره شد، باروری فضایل اخلاقی حاصل می‌شود یا اینکه این آثار به عنوان پاداش الهی و آثار معنوی مترتب بر صلۀ ارحام و از طرف آفریدگار حکیم عالم قرار داده شده و هر کس موفق به رعایت حقوق ارحام شود به این پاداش نائل خواهد شد.

حدیث منقول از امام صادق^(ع) در این رابطه چنین است: «صلۀ رحم خُلق را نیکو نموده، باعث سخاوت می‌شود و نفس را پاکیزه می‌کند و باعث زیادتی روزی می‌شود و اجل و مرگ آدمی را تأخیر می‌اندازد.»^۲ (مجلسی ۱۴۰۳: ج ۷۱، ۱۱۴).

پنج ثمره در این حدیث برای صلۀ رحم ذکر شده که سه مورد اول آنها، که در آغاز آمده، مربوط به تزکیه نفس و پرورش کمالات روحی و اخلاقی است؛ تعبیر «تُحَسِّنُ الْخُلُقَ» صریح در مطلب است، عبارت «تُسَمِّحُ الْكُفَّ» کنایه از سخاوت است که از فضایل اخلاقی است «تُطَيِّبُ النَّفْسَ» نیز همین معنی را افاده می‌کند، زیرا مراد از اصطلاح «تطیب النفس» در مباحث اخلاقی تهذیب روح و روان است.

۱. سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَقُولُ إِنَّ صَلَّةَ الرَّحِمِ مَثْرَاءٌ فِي الْمَالِ وَ مَحَبَّةٌ فِي الْأَهْلِ وَ مَنْسَأَةٌ فِي الْأَجْلِ.

۲. عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: صَلَّةُ الْأَرْحَامِ تُحَسِّنُ الْخُلُقَ وَ تُسَمِّحُ الْكُفَّ وَ تُطَيِّبُ النَّفْسَ وَ تَزِيدُ فِي الرِّزْقِ وَ تُنْسِي فِي الْأَجْلِ.

ث) آسان شدن حساب‌رسی در قیامت

آیات و روایاتی که در مورد قیامت آمده‌اند بیان‌کننده محاسبه‌ای موشکافانه و دقیق هستند و در فرض اینکه فضل و بخشش الهی نباشد، راه نجات و سعادت و وجود نخواهد داشت. چون اگر بنا باشد شخص را به سبب معصیت و لغزشی که در مقابل خداوند مرتکب شده کیفر دهند یا به استحقاق ناشی از حسنات او که هر چه باشد به آفریدگار او و خداوند منتهی می‌شود نصیبی از نعمت‌های بالای ابدی و کمالات اخروی بهره‌ او نخواهد شد و اگر خداوند بخواهد بدون فضل و رحمت خود خلق را محاسبه کند، کسی اهل سعادت نخواهد بود؛ مگر اینکه سهولت در حساب و دادرسی و فضل خداوند در محکمه آخرت فریادرس انسان و باعث نجات او شود.

یکی از عواملی که برای این نوع حساب‌رسی سهل و آسان وعده داده شده احسان به خویشاوندان و صله ارحام است. حدیثی منقول از امام باقر^(ع) که پنج ثمره مهم صله رحم در آن ذکر شده چنین است: «صله ارحام باعث پاکیزگی اعمال و زیادتی اموال و دفع بلاها و آسان شدن حساب در قیامت و تأخیر اجل می‌شود.»^۱ (کلینی ۱۴۰۷: ج ۲، ۱۵۰).

همچنین در روایتی از امام صادق^(علیه السلام) آمده: «صله رحم حساب روز قیامت را آسان می‌کند و باعث تأخیر در اجل می‌گردد و انسان را از پیشامدهای ناگوار حفظ می‌کند و صدقه پنهانی خشم پروردگار را خاموش می‌سازد.»^۲ (مجلسی ۱۴۰۳: ج ۷۱، ۱۰۴).

این نشان از محبوبیت بالای صله رحم نزد خداوند دارد که در حساب‌رسی قیامت، که رسماً از ناحیه اوست، رعایت‌کنندگان صله رحم را مورد فضل خاص خود قرار می‌دهد و بر آنان آسان می‌گیرد و در فرض آسان‌گیری در حساب‌رسی قیامت امید سعادت و نجات خواهد بود. منزلت و جایگاه بالای صله ارحام با توجه به این ثمره کاملاً مشخص است که در سخت‌ترین موقعیت‌ها در عالم آخرت زمینه‌ساز آزادی و نجات انسان می‌شود.

۱. قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ صَلَّةُ الْأَرْحَامِ تُرَكِّي الْأَعْمَالَ وَتُنْمِي الْأَمْوَالَ وَتَدْفَعُ الْبُلُوِي وَتُسِّرُ الْحِسَابَ وَتُنْسِي فِي الْأَجَلِ.

۲. قَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ صَلَّةُ الرَّحِمِ تَهَوِّنُ الْحِسَابَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَهِيَ مَنْسَأَةٌ فِي الْعُمُرِ وَتَقِي مَصَارِعَ السَّوِّءِ وَصَدَقَةُ اللَّيْلِ تُطْفِئُ غَضَبَ الرَّبِّ.

نتیجه

به طور طبیعی بشر در جلب منافع و دفع مضرات خود کوشا است؛ به‌ویژه در رابطه با مصالح و مفاسدی همچون سلامتی و مریضی و فقر و تنگدستی که بخش عمده‌ای از زندگی و هزینه‌های آن را به خود اختصاص می‌دهد و در هر فرهنگ و جامعه انسانی در صدر امور فردی و اجتماعی قرار گرفته است. برای تأمین این نوع مقصد، یعنی سلامت انسان، که از عمده‌ترین منافع است، راه‌کارهای متعددی وجود دارد که بعضاً با هزینه‌های کمتری انجام‌پذیر است؛ مثل پرهیز و دوری از فضاهای آلوده، غذاهای ناسالم، و شاید از همه مهم‌تر روابط سالم با افراد جامعه، دوستی و محبت با آنان، به‌خصوص افراد خاندان که زمینه‌های این نوع ارتباط با آنان به جهات مختلف فراهم است و مهرورزی و رعایت آن‌ها در حقوق مختلف، که در آموزه‌های دینی به صله ارحام معروف است، و رعایت آن از مهم‌ترین سرمایه‌های سلامت اجتماعی محسوب می‌شود که طبق بررسی‌های به‌عمل‌آمده در این نوشتار به آثار و برکاتی از آن پرداخته شد. از مهم‌ترین آن‌ها پیشگیری از جرایم و بزهکاری است که خود منشأ بسیاری از مفاسد دیگر اجتماعی است و درباره آن بحث شد. به مقتضای احادیثی از معصومین افزایش و طول عمر، رفع و دفع بلا و فقر و تنگدستی، و زیادتی اموال از آثاری است که صله رحم و نیکی به خویشاوندان منشأ آن‌هاست و همین‌طور آثاری از قبیل محبوبیت شخص و تزکیه اخلاق و از آن‌ها مهم‌تر سهولت حساب‌رسی در قیامت و مورد عنایت خاص الهی واقع شدن طبق روایات از آثار صله ارحام ذکر شده است.

طبق تحلیلی بیان نوع آثار یادشده را می‌توان از نتایج طبیعی صله رحم برشمرد. اما بیشتر به عنوان آثار وضعی و الهی قابل توجیه است. در مباحث قرآنی راجع به صله رحم و طبق استناد به بعضی از آیات قرآن کریم، بلکه ظاهر خود آیات، جایگاه ارحام و رعایت آنان کاملاً معلوم است؛ تا آنجا که تارکین صله رحم در چند جای قرآن در عداد ملعونین ذکر شده‌اند که نوعی عقوبت سخت و نشان‌دهنده درجه مبغوض بودن آنان نزد خداوند است.

همین‌طور تفرقه و اختلافات و کدورت‌ها در جامعه به‌ویژه جمعیت‌های خاصه، مثل افراد خانواده و ارحام، چنان خسارت‌بار و مبغوض است که به عنوان عقوبت بعضی گناهان بزرگ مثل کفر و شرک به خداوند در قرآن از آن‌ها یاد شده و در رابطه با قطع رحم به‌خصوص ممکن است

آیه ۲۲ سوره مبارکه محمد طبق تفسیری عقوبت و نافرمانی و اعراض از خدا و رسولش علت ابتلا به آن باشد که به خاطر مخالفت با خداوند قوم و جمعیتی به بالای قطع رحم مبتلا می‌شوند. توجه به موقعیت نافرجام قطع رحم و رعایت نکردن اقربا و از این قبیل موارد در قرآن کریم کاملاً مشخص می‌شود که اگر قرابت‌های خانوادگی از هم گسیخته شود و فامیل نسبت به یکدیگر بی‌توجه شوند باید بدانند عقوبت و کیفری است که در اثر بعضی گناهان به آن مبتلا شدند و لازم است علت ریشه‌یابی شود و از آن گناه توبه کنند تا مجدد به فیض و برکت توجه به ارحام و صله رحم نایل آیند.

با تحلیل مطالب یادشده، که به طور عمده مستند به آیات قرآن و احادیث معصومین است، موقعیت صله ارحام در عداد سرمایه‌های اجتماعی، بلکه از مهم‌ترین آن‌ها، کاملاً مشخص می‌شود و روشن می‌شود که هزینه‌هایی همچون هزینه‌های دارویی و ساخت‌وسازها و هزینه‌های صنعتی و ... در پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی هیچ‌گاه به اندازه صله ارحام اثرگذار نخواهند بود.

منابع

- قرآن کریم، ۱۳۹۳، قم، باران.
- ابن ابی الحاتم، عبدالرحمن بن محمد (۱۴۱۹). *تفسیر القرآن العظیم*، محقق: اسعد محمد طیب، ریاض، مکتبه نزار مصطفی الباز.
- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۸۵). *علل الشرائع*، قم، کتاب فروشی داوری.
- ابن درید، محمد بن حسن (۱۹۸۸). *جمهره اللغة*، بیروت، دارالعلم للملایین.
- ابن فارس، احمد بن فارس (۱۴۰۴). *معجم مقاییس اللغة*، محقق: عبدالسلام محمد هارون، قم، مکتب الاعلام الاسلامی.
- پاینده، ابوالقاسم (بی تا). *نهج الفصاحة*، تهران، دنیای دانش.
- حراغلی، محمد بن حسن (۱۴۰۹). *وسائل الشیعة*، قم، مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲). *مفردات ألفاظ القرآن*، بیروت، دارالقلم.
- زالی زاده، مسعود؛ معصومه باقری؛ ملنفت (۱۳۹۷). «بررسی عوامل خانوادگی مؤثر بر مدارای اجتماعی (مورد مطالعه: دانشجویان دانشگاه شهید چمران اهواز)»، *جامعه‌شناسی کاربردی*، ش ۲، س ۲۹، ص ۱۲۹-۱۴۶.
- صادقی، زهرا؛ زهره نیک فرجام؛ فریبا پهلوانی؛ عباس سماواتی (۱۴۰۱). «محدوده، اشخاص و کارکرد اجتماعی اخلاقی صلۀ رحم»، *پژوهش‌های اخلاقی*، ش ۳، س ۱۲، ص ۱۳۹-۱۵۸.
- صفوی، محمدرضا (۱۳۸۸). *ترجمه قرآن بر اساس المیزان*، قم، دفتر نشر معارف.
- طوسی، محمد بن حسن (۱۴۰۹). *التبیان فی تفسیر القرآن*، گردآورنده: احمد حبیب عاملی، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۰۹). *کتاب العین*، قم، هجرت.
- فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی (۱۴۱۸). *الأصفی فی تفسیر القرآن*، تحقیق: محمدرضا نعمتی؛ محمدحسین درایتی، قم، مرکز النشر التابع لمکتب الاعلام الإسلامی.
- قمی، علی بن ابراهیم (۱۳۶۳). *تفسیر القمی*، مصحح: طیب موسوی جزائری، قم، دارالکتاب.

- کشی، محمد بن عمر (۱۴۰۹). رجال الکشی؛ اختیار معرفة الرجال، تلخیص: محمد بن حسن طوسی و حسن مصطفوی، مشهد، مؤسسه نشر دانشگاه مشهد.
- کفعمی، ابراهیم بن علی عاملی (۱۴۰۵). المصباح، قم، دار الرضی.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷). الکافی، مصحح: علی اکبر غفاری؛ محمد آخوندی، تهران، دارالکتب الاسلامی.
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳). بحار الانوار، بیروت، دار إحياء التراث العربی.
- معلوف، لوییس (۱۹۷۳). المنجد فی اللغة و الأعلام، بیروت، المطبعة الكاثولیکية.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۱). تفسیر نمونه، همکاران: جمعی از نویسندگان، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- موسی، حسین یوسف (۱۴۱۰). الإفصاح، قم، مکتب الأعلام الإسلامی.
- نرم‌افزارهای مؤسسه تحقیقاتی نور، جامع التفاسیر، جامع الأحادیث، قاموس النور.

References

- Quran alkarim, 2014, qom, baran.
- Ebn Abi Alhatam, A. (1998). Tafsir Alquran Alazim, Tayyeb, A. & Arriyadh, Nizar Mustafa Al-Baz Library. (in Persian)
- Ebn Dorayd, M. (1988). Johoratolloghah, Beirut, House Of Science Mullahs (in Persian)
- Ebn Fares, A. (1983). *Mojam Maghyislloghah*, Haron, A. Qom, Islamic Media Office.(in Persian)
- Farahidi, Kh. (1988). *Ketabolayn*, Qom, Hejrat Publishing. (in Persian)
- Feyz Kashani, M. (1997). *Alasfa Fi Tafsir Alquran*, Nemati, M. & Derayati, M. Qom, Publishing Center of the Islamic Information Office. (in Persian)
- Horeameli, M. (1988). *Vasaeloshiaa*, Qom, Allolbait Institute. (in Persian)
- Ibn Babeweyh, M. (2006). *Elaloshrayei*, Qom, Davari Bookstore.(in Persian)
- Kafami, E. (1984). *Almesbah*, Qom, Dar Alradhi. (in Persian)
- Kashshi, M. (1988). *Rejal Alkashshi Ekhtiyar Maarefatorejal*, Tosi, M. & Mostafawi, H., Mashhad, Publishing Institute of Mashhad University.(in Persian)
- Koleyni, M. (1986). *Alkafi*, Ghafari, A. & Akhondi, M., Tehran, Dar Alkotob Eslami.(in Persian)
- Maalouf, L. (1973). *Almonjad Fi Alloghah Va Alalam*, Beirut, Catholic Printing Press. (in Persian)
- Majlesi, M. (1982). *Behar Alanwar*, Beirut, The House Of Revival of the Arab Heritage. (in Persian)
- Makarem Shirazi, N. (1992). *Tafsir Nemoneh*, A Group Of Writers, Tehran, Dar Alkotob Eslami.(in Persian)

- Musa, H. (1989). *Alefsah*, Qom, Islamic Media Office. (in Persian)
- Noor Research Institute Software, Jame Tafasir, Jame Alahadith, Ghamos Alnoor. (in Persian)
- Payandeh, A. (n.d). *Nahjolfasaheh*, Tehran, The World Of Knowledge. (in Persian)
- Qomi, A. (1984). *Tafsir Alqomi*, Musawi Jazaeri, T., Qom, Dar Alketab. (in Persian)
- Ragheb Esfahani, H. (1991). *Mofradate Alfaze Quran*, Beirut, Darolghalam. (in Persian)
- Sadeghi, Z., Nikfarjam, Z., Pahlevani, F.,& Samavati, A. (2022). “Scope, Persons And Moral Social Function Of Devotion To Relatives”, *Pajohesh Akhlaghi*, 12(3), pp. 139-158.(in Persian)
- Safavi, M. (2009). *Translation of the Qur'an based on Al-Mizan*, Qom, Publishing Maaref Office. (in Persian)
- Tosi, M. (1988). *Atbyan Fi Tafsir Alquran*, Ameli,A., Beirut, The House of Revival of the Arab Heritage.(in Persian)
- Zali Zadeh, M., Bagheri, M.,& Moltefet, H. (2018).“A Study Affective Family Factors On Social Tolerance (Case Study: ShahidChamran University Students Of Ahwaz)”, *Jameeshenasi Karbordi*, 29(2),pp. 129-146.(in Persian)